

بازشناسی هویت باستانی ایران از منظر ژان شاردن

عادل شعبانی مقدم^۱

چکیده

امروزه فرهنگ و هویت، اساس موجودیت هر جامعه را می‌سازد. از این رو بررسی فرهنگ و هویت هر جامعه در هر دوره‌ی زمانی، لازم و ضروری است. هویت ایرانی همواره در طول تاریخ شکل یافته و گاهی اوقات نیز دچار تغییر شده است. این هویت، عناصر مختلفی دارد که یکی از آنها مرتبط با ایران باستان است. از دیدگاه بسیاری از متفکران، هویت ایرانی ریشه در تاریخ باستانی ما دارد. این گروه معتقدند، اگر بخواهیم هویت خود را به طور واضح روشن سازیم و با آن آشنا شویم، باید به ایران باستان توجه کنیم؛ تاریخی که با اسطوره و واقعیت آمیخته شده است. از آنجایی که می‌توان گفت هویت ایرانی در عصر صفوی احیا شده، منابع و کتب این دوره، برای یافتن مفاهیم و عناصر هویت ملی ایرانی حائز اهمیت فراوان می‌باشد.

^۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه اصفهان. Adelshabani@Ymail.Com

پژوهش حاضر تلاش دارد، یکی از مقوله‌های هویت ایرانی را از منظر یک سیاح فرانسوی عصر صفوی نشان دهد. در حقیقت، این مقاله سعی دارد، بازتاب ایران باستان را از دیدگاه سیاح فرانسوی عصر صفوی بازگو کند و نخست مقوله هویت و نمادهای آن را در تاریخ ایران بررسی می‌کند، سپس شرحی از معرفی، زندگانی و فعالیت شاردن بیان می‌کند. بخش پایانی مقاله، روایت‌های باستانی را از نگاه شاردن تبیین می‌کند. این پژوهش، با روش توصیفی - تبیینی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی این مسئله می‌پردازد.

کلید واژه‌ها: هویت، ایران باستان، سیاح، صفوی، شاردن.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

تاریخ ایران باستان از منظر بسیاری از متفکران، تاریخی غنی و هویت ساز است؛ طوری که این مرحله از تاریخ کشور را در شکل‌گیری هویت ایرانی، مهم و اساسی قلمداد می‌کنند. پیش از انقلاب اسلامی، دولت پهلوی، بر ایران باستان تاکید زیادی داشت و حال آنکه بازتاب آن در جامعه بر محور تاریخ ایران اسلامی می‌چرخید، اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تاریخ ایران باستان به حاشیه رفت، و فراز و نشیب‌های زیادی به همراه داشت و در مقابل، جامعه‌ی ایران به سمت تاریخ ایران باستان رفت. گروهی از نویسندگان معتقدند که پایه گذار هویت ایران، ساسانیان هستند، چرا که در زمان ساسانیان، تمرکز گرایی به یک ارزش و معیار قدرت تبدیل شد. از طرفی، به دلیل اینکه در دوران باستان شاهد حضور اسطوره‌ها هستیم، و نیز به این دلیل که در تاریخ اسطوره‌ها می‌توان شکل-گیری هویت را دید، تاریخ ایران باستان، به ویژه دوره ساسانیان در ظهور هویت ایرانی حائز اهمیت فراوان می‌باشد. هویت ایرانی، بعد از ورود اسلام دستخوش تغییرات زیادی شد و به گفته بسیاری از نویسندگان، هویت ملی در زمان صفویان احیا شد. در این دوره سیاحان زیادی از کشورهای مختلف به دربار صفوی آمدند و هر کدام شرح سفر خود را به صورت مکتوب در آوردند. به دلیل آنکه تاریخ ایران باستان یکی از عناصر مهم هویت ایرانی ما را تشکیل می‌دهد و نیز در عصر صفوی، هویت ایرانی با تکیه بر همین عناصر بازسازی شد، تلاش شده است تا رویکرد





باستانی از منظر شاردن، سیاح فرانسوی این عصر بیان شود. بدین روی، این مقاله میزان استفاده از روایت های باستانی در کتاب شاردن را مورد بررسی قرار می دهد.

هویت و نماد های آن در تاریخ ایران

هویت هر ملتی در طول تاریخ از مسیر پرفراز و نشیبی عبور کرده است. هویت مجموعه خصایصی است که تعلق فرد را به یک مکان نشان می دهد و نظام ارزش ها و هنجارهای او را مشروعیت می بخشد. طرح مسئله هویت برای یک فرد و یا یک ملت در رابطه با تغییرات در شرایط زیست جهانی قابل توضیح است. هویت فردی و تبیین آن همیشه یکی از مسائل محوری فلسفه بوده است. بنابراین در حوزه فلسفه بطور اعم و علوم انسانی جدید به طور اخص (جامعه شناسی، روان شناسی و روان کاوی و ...) همواره هویت و تبیین آن مد نظر بوده است. استنتاج هویت ملی (جمعی) از هویت فردی با شکل گیری دولت های ملی در اروپا که از لحاظ تاریخی با تکوین سرمایه داری هم زمان است، صورت پذیرفته است. البته برخی ممکن است به طرح این بحث ایراد بگیرند و بگویند نمی توان هویت را به طور علمی به تحلیل گذاشت. آنها هویت را مقوله ای انتزاعی می دانند و برآنند که نمی توان به صورت عینی و تجربه پذیر آن را به بوته آزمایش گذاشت (رجایی، ۱۳۸۶: ۴۰).

برخی دیگر این بحث را در عصر حاضر عامل جدایی و تفرقه میان گروه های خودی و غیر خودی می دانند. بنا به گفته ابن خلدون، با ترکیب دو

عامل اعتماد به نفس فردی و داشتن جهت کلی جمعی نسبتاً واضح، خمیر مایه‌ای به نام عصیبت به وجود می‌آید (ابن خلدون، ۱۳۶۲: ج ۱/۲۳۹-۲۴۲). به نظر مطهری نیز هویت، برخورداری از یک احساس ملی است و منظور از آن وجود یک احساس مشترک یا وجدان و شعور جمعی در میان عده‌ای از انسان‌هاست که یک واحد سیاسی یا ملت را می‌سازند (مطهری، ۱۳۶۲: ۶). به گمان وی، هویت ایرانی دو پایه مهم دارد، ایرانی بودن و علاقه و سرسپردگی ایرانیان به اسلام؛ ایران و اسلام دو روی یک سکه هستند که با هم تحول یافته‌اند (همان، ۱۱۳). از طرفی یکی از متفکران حال حاضر، به نام عبدالکریم سروش، معتقد است هویت ایران و ایرانی را سه فرهنگ ایران، اسلام و غرب شکل می‌دهند (سروش، ۱۳۷۷: ۱۸۵). برای ایرانیان واژه ایران به عنوان یک «فکر» معانی زیادی مانند بزرگی، نجابت و شرافت را القا می‌کند. مقوله ایران به عنوان یک مفهوم سیاسی، که مقوله‌ای تناقض نما است، از یک سو، ایران قدیمی و باستانی است، و از سوی دیگر بر کشوری جدید دلالت دارد که در اوایل سده شانزدهم میلادی پس از نزدیک به یک هزاره از سیطره سیاسی و اقتصادی مسلمانان به در آمد. بعد از ورود اسلام درست است که ایران استقلال سیاسی خود را از دست داد، اما کماکان استقلال فرهنگی خود را حفظ کرد. در مجموع ایران توانسته است تاریخی برجسته و مهم تر از آن، مداوم داشته باشد. البته دلیل اینکه می‌توان از یک تداوم بحث کرد این





است که ایران امروز در واقع هسته این دگرگونی‌ها بوده است. از دیدگاه ندوشن:

«قلمرو ایران در طی نزدیک سه هزار سال، دگرگونی بسیار پیدا کرده و کوچک و بزرگ شده است، ولی همیشه هسته مرکزی آن همان است که ایران امروز را تشکیل می‌دهد» (ندوشن، ۱۳۷۰: ۱۸).

باید گفت که هویت ناب در هیچ جای دنیا وجود ندارد. برای جوامع انسانی زمانی هویت مسئله می‌شود که فرهنگ سازی و تمدن سازی شکل گرفته باشد. به علت خصلت تاریخی هویت، دگرگونی و تغییرات ریشه‌ای امری معمول است. تغییر دین در ایران، و یا دگرگونی زبانی و خطی و یا حتی تغییرات سرزمینی، نمونه‌ای از این دگرگونی‌ها است. پس برای ما مسلم است که هویت ملی (اجتماعی) پدیده‌ای ایستا نیست. در حیطه مقوله هویت، نظریات گوناگونی وجود دارد که برخی از این نظریات در اینجا ذکر شد. با این وجود متفکران هنوز درباره هویت ایران و عوامل تشکیل هویت، به یک جمع بندی خاص نرسیده‌اند.

معرفی و فعالیت‌های ژان شاردن

ژان شاردن (*Jean chardin*) جواهر فروش و جهانگرد فرانسوی است که در سال ۱۶۴۳ میلادی در شهر پاریس دیده به جهان گشود. خانواده او که از فرقه پروتستان بودند، با کلیسای کاتولیک و مقامات رسمی فرانسه



مشکل داشتند، به همین روی، او علاقه‌ای به ماندن در فرانسه نداشت. نخستین بار در سال ۱۶۶۴ میلادی، پاریس را ترک و بعد از شش سال اقامت در مشرق زمین، به فرانسه مراجعت کرد (شاردن، ۱۳۳۵: ج ۱/۴). شاردن در زمان شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی در ایران حضور داشت (نوایی و غفاری فرد، ۱۳۸۶: ۱۹). وی شرح سفر خود را به صورت کامل نوشته است. تالیفات شاردن دایره‌المعارف تمدن سه هزار ساله ایرانیان و مشتمل بر تمام خصوصیات تاریخی، جغرافیایی، علمی، ادبی و فرهنگی ایران در دوره صفویه و مقایسه شئون و خصوصیات تمدن ایران اسلامی با دوران باستان و به خصوص عهد هخامنشی است. مورخ معروف، گیبون، در اثر خود، استفاده‌های شایان توجهی از آثار شاردن کرده و وی را به عنوان یک محقق فیلسوف ستوده است. تالیفات وی در باب ایران، کمال شهرت را دارد و گنجینه پر بهایی است از اطلاعات بسیار مفید که بسیاری از آنها را در هیچ کجای دیگر نمی‌توان یافت. سفرنامه شاردن از مفصل‌ترین سفرنامه‌هایی است که اروپاییان درباره ایران نوشته‌اند. این مجموعه ارزشمند، شرح بسیار دقیق، و کاملی از فرهنگ و آداب و رسوم جامعه ایران در روزگار صفویه ارائه کرده است. متن کامل این سفرنامه در ده جلد، با ترجمه محمد عباسی در سال ۱۳۳۵ شمسی به چاپ رسیده است.

روایت‌های باستانی از نگاه شاردن

قبل از هر چیز باید گفت، شاردن برای ترسیم تصاویر آثار باستانی تخت جمشید و ابنیه و عمارات با شکوه عهد صفوی، یک نفر نقاش هنرمند مخصوص، از اروپا استخدام و با خود به ایران آورد (شاردن، ۱۳۳۵: ج ۱/۱۲). این نشان می‌دهد که وی از همان بدو ورود تصمیم داشته، تاریخ ایران باستان و روایت‌های باستانی را در نظر بگیرد. شاردن خصوصیات تاریخی، نژادی، اجتماعی و مذهبی ملل و مردمان امپراتوری بزرگ ایران را مطابق موازین علمی تشریح کرده است. وی آثار باستانی دوره ساسانی را در ارمنستان به دقت تمام مورد بررسی قرار می‌دهد. بنا به گفته محمد عباسی، مترجم کتاب سفرنامه شاردن:

«وی برای اولین بار آثار جاویدان تخت جمشید را به جهان متمدن جدید معرفی کرد و تصاویر زیبایی راجع به شهر باستانی تخت جمشید معرفی و تدوین نمود» (همان، ۲۱).

شاردن برای اولین بار در تاریخ به اهمیت اساطیر و افسانه‌های ملی پی برده است. وی در سفرنامه خود متذکر شده است که «اصطلاح ایران برای اولین بار در کتیبه‌های ساسانی استعمال شده و بعد از اسلام نیز رواج داشته است» (همان، ۳۴۶). وی بیان کرده، در کتیبه‌های بیستون و تخت جمشید و شوش، سلاطین ایرانی خود را شاه شاهان نامیده‌اند، حال آنکه شاردن، سلاطین صفوی را به عنوان پادشاه خوانده است.



در سفرنامه شاردن آمده است که اردوان نامی، یک دیو یا قهرمان باستانی است که سراسر آسیا را گشود و پایتخت امپراطوری خویش را در ایران قرار داد. داستان، تهمتن و فریبرز نامهای قهرمانان حماسی و باستانی ایران می‌باشد. ایرانیان شاهنشاه خود را ولی ایرون (ایران) می‌خوانند که مقصود جانشین واقعی، نایب و ولی حضرت علی^(ع) می‌باشد که خداوند سلطنت تمام جهان را بعد از فوت حضرت محمد^(ص) به وی بخشید. طبق گفته شاردن، ایرانیان جشن نوروز را مطابق سال شمسی که معمولاً تاریخ باستانی این قوم بوده است، برگزار می‌کنند و بانی این عید را جمشید می‌دانند که چهارمین شاهنشاه ایران است (همان، ج ۲/۳۶۱). ماد سرزمینی است که در عهد باستان مالک الرقاب امپراطوری آسیا بوده است و ایرانیان آن را آذربایجان یا آسور پایکان می‌نامند.

ایرانیان معتقدند، وجه تسمیه این ایالت به آذربایجان آن است که بزرگترین آتشکده زرتشتی در این سرزمین بنا شده و در این معبد آتشی محافظت می‌شد که آتش پرستان آن را خدا می‌خواندند و پیشوای کل مذهبی (موبد موبدان) این آیین در آنجا سکونت داشته است. همچنین شاردن در خصوص گبرها که اخلاف آتش پرستان می‌باشند اطلاعات مختصری می‌دهد. در جلد دوم کتاب شاردن، در بخش ضمائم و تعلیقات، درباره دوره ساسانی، اطلاعاتی از جمله: تسخیر ارمنستان به دست اردشیر، آیین مانی در ارمنستان، معارضه ایران ساسانی و روم شرقی در ارمنستان و جشن‌های



زمان ساسانی در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد که به دلیل حجم زیاد مطالب، از آوردن آن خودداری می‌شود. شاردن داستان‌های باستانی در قراچمن را در کتاب خود ذکر کرده است. وی در این زمینه بیان می‌کند:

«در قسمت یسار، سنگ‌های عظیم و جسیم مدوری مشاهده می‌شود. ایرانیان می‌گویند که این صخره‌های مدور، آثار باقیه کاووس‌ها می‌باشد، زمانی که در ماد به جنگ اشتغال داشتند، در همین محل مجلس مشاوره‌ای تشکیل دادند» (همان، ج ۱۸/۳).

شاردن درباره کاووس‌ها می‌گوید:

«کاووس‌ها، دیوهای ایرانی می‌باشند و کاووس فرزند قباد، فرزند خسرو، پادشاه ایران به همین عنوان خوانده شده است. این سلسله سلاطین، دومین گروه پادشاهان ایران به شمار می‌روند و تاریخ سرگذشت آنها مبدل با اساطیر و افسانه است» (همان جا).

سلسله نخستین در اساطیر ملی ایرانی، پیشدادیان است و سپس کیانیان و کیقباد، کیخسرو و کیکاوس از سلاله اخیرند. شاردن کاووس را به طور مطلق غول و دیو می‌نامد. کاووس از دو قسمت تشکیل شده است. کاو به معنی پادشاه و اوس به معنی منبع وسیع و سرچشمه بزرگ است.



شاردن می‌گوید «کشور پارت عظیم ترین و مهم ترین امپراطوری ایران است. مشرق زمینیان، پارت را عراق عجم می‌خوانند» (همان، ۲۴). علمای جغرافیای ایرانی می‌گویند که ابهر را کیخسرو فرزند سیاوش بنا کرده است و نیز روایت می‌کنند که داراب یعنی داریوش به بنای قلعه شهر اقدام کرد، ولی اسکندر ساختمان آن را اتمام و تکمیل نمود. می‌گویند که قزوین، آرساکیه است که پیش از استیلای اشکانیان، و وجه تسمیه این شهر، به نام بانی و موسس سلسله مزبور نام داشته است. مورخین ایران بنای قزوین را چندان قدیم و باستانی نمی‌دانند و شاردن معتقد است که شاپور اول این شهر را بنا نهاده است. در سفرنامه شاردن آمده که عقیده عموم بر آن است که هوشنگ پیشدادی بنای ری را پدید آورده است. مورخین شرقی، نخستین سلسله سلاطین ایران را پیشدادیان می‌نامند و این پادشاهان را فرمانروایان اولیه و واضع قوانین ابتدایی می‌دانند و آنها را به صفت دادگستری موصوف و ممتاز می‌دانند. هوشنگ دومین پادشاه این سلسله بوده و منوچهر پنجمین پادشاه پیشدادی، بعد از هوشنگ به توسعه شهر ری همت گماشت (همان، ۵۵). درباره نام ایران شاردن گفته جالبی را بیان کرده است:

«ایرانیان کشور خویش را به نامی می‌خوانند که آن را به یکسان ایرون و ایران تلفظ می‌کنند. این نام باستانی را تورانیان، که ایرانیان کنونی منتسب به آنان هستند ابداع کردند. در تاریخ آمده است که افراسیاب نهمین

شاهنشاه ایران، امپراطوری عظیم خود را به دو قسمت تقسیم کرد. قسمت جنوبی را ایران و قسمت شمالی را توران نامید» (همان، ج ۱۲/۴).

بر طبق این نظریه، کی ایران و کی توران به جای شاهنشاه ایران، شاهنشاه توران و ایراندخت و توراندخت، به معنای ملکه‌های این ممالک می‌باشد. هم اینک در این ایام، شاهنشاه ایران عموماً، پادشاه ایران، و صدر اعظم کشور را ایران مدار می‌نامند. ایران تسمیه کنونی و بسیار معمولی کشور است. نامی که در درجه دوم بیشتر مصطلح می‌باشد، کلمه فارس است که در عهد باستان، پرسپول پایتخت آن بوده و سراسر امپراطوری بدان خوانده شده است. شاردن در خصوص زبان پارسی قدیم نیز مباحثی در کتاب خود آورده است. همچنین گفته‌های گزنفون در لا به لای کتاب دیده می‌شود.

شاردن بیان می‌کند که از مطالعه نوشته‌های مولفین ایران باستان که راجع به جلال و شکوه ایرانیان است، انسان تصور می‌کند که سراسر این کشور طلا است و در آنجا وسایل زندگانی بسیار فراوان و ارزان می‌باشد، ولی هنگامی که به خود ایران می‌روند اوضاع را دگرگون می‌بینند. شاردن رسوم زرتشتیان را نیز در گفتارهای خود گنجانده است. بنا به گفته شاردن، ایرانیان معتقدند که فارسی باستان زبانی است که از بین رفته و هیچگونه کتاب و آثاری از آن باقی نمانده است. ایرانیان معتقدند که اسامی صور فلکی در حقیقت نام‌های دیوان باستان می‌باشد که به این پدیده‌های

آسمانی اطلاق شده است (همان، ج ۱۴۳/۵). ایرانیان از عهد باستان عقیده دارند که تمام موجودات و مسائل عالم به وسیله فرشتگان اداره و هدایت می‌شود. مغان که ستاره شناسان آن زمان بودند، احتمالات و پیشگویی‌های سالیانه را تنظیم کردند و مردمان، مطابق دستورات نجومی آنان کارهای خود را تنظیم می‌کردند. در ایران باستان، سال شمسی بوده است و هفته ای در تقویم ایرانیان نبوده است. کلمه شنبه یکی از اصطلاحات باستانی ایران است و از لغت شمس که نام خورشید می‌باشد، گرفته شده است. درباره تقویم‌های زمان ساسانی، اطلاعات کاملی در سفرنامه وجود دارد. شوم‌ترین روز در نظر ایرانیان، چهارشنبه آخر سال است، ولی به طور کلی ایرانیان چهارشنبه را یک روز نیک و فرخنده می‌دانند و معتقدند که روشنایی در همین روز آفریده شده است و هر گونه آموزش و تحصیل را فقط در همین روز آغاز می‌کنند (همان، ج ۲۶۲/۵). شاردن بیان می‌کند بعد از آنکه فریدون مملکت خود را به سه پسر خود تقسیم کرد، قسمت شرق را به تور داد و قسمت غرب را به سلم داد و قسمت میانه که بهترین منطقه بود، به پسر خود ایرج داد. البته بعضی‌ها گفته‌اند که ایران به کیومرث منسوب است و جمعی گویند به هوشنگ منسوب است، اما اصلح آن است که به ایرج رسیده است (همان، ۷۵۲). بنا بر افسانه آفرینش، در ایران باستان جهان به هفت کشور تقسیم شد و فقط در کشور مرکزی که موسوم به خونریس می‌باشد، بشر سکنی دارد. شاردن، حکایت سقوط گوماتای مغ و جلوس داریوش را از زبان هرودوت آورده است. ایرانیان از عهد باستان





به حفظ آثار و ذکر نام و کارهای خود اهتمام و علاقه خاص داشتند. آیین نامک، گاهنامک، خودای نامک و کارنامک همه، تواریخ رسمی و مفصل ایران در زمام ساسانیان بوده است.

ایرانیان ایمان دارند که در عهد باستان، فیلسوفان مشرق زمین شاعر نیز بوده‌اند و این حکیمان شاعر، دانش خویش را به شعر بیان می‌کرده‌اند. همچنین ایرانیان در مجامع و محافل خود و نیز در مواقع فراغت، دیگر آثار منظوم عظیم سابق الذکر بخصوص تاریخ پادشاهان باستان را استماع می‌کنند. بنا به گفته شاردن:

«اوستا بزرگترین و با شکوه‌ترین یادگار ایران باستان است، که به خامه زرتشت، پیشوای روحانی و زعیم زندگانی، اجتماعی ایرانیان قدیم در حدود سه هزار سال پیش نگارش یافته است» (همان، ج ۶/ ۹۴۹).

شاردن، مختصری از تاریخ ساسانیان و رواج آیین مانی در جلد شش آورده است. شاردن گفته می‌سود بنویست را ذکر کرده که ایران دوره ساسانی چیز تازه ای به منصفه ظهور نیاورد، چه از حیث منظوم ساختن موضوع های افسانه و یا فقط حماسی و چه از حیث تعمیم اقسام معین شعر این دوره، از ایران زمان اشکانیان میراث گرفت. درباره تاریخ ماد و چگونگی شکل گیری این دولت، در جلد شش به طور مختصر توضیح داده شده است.

بنا به گفته شاردن، واژه دبیر با این همه قدمتی که در زبان فارسی دارد و بیش از دو هزار و چهارصد و شصت سال است که در سنگ نبشته‌های



هخامنشی به هیئت دیبی به کار رفته، یادگاری است از قوم سومر که از چهار هزار سال پیش از میلاد، در جنوب عراق کنونی می‌زیستند. شاردن در سفرنامه خود، به طور مفصل، پیدایش خط را توضیح داده است. همچنین در مورد الفبای آرامی و سریانی مطالب جالبی در جلد شش آورده است. شاردن درباره موسیقی و تمدن ساسانی، این گونه بیان کرده که موسیقی یکی از عوامل مهم تمدن ایرانی دوره ساسانیان به شمار می‌رود. آهنگ‌های زمان خسرو دوم قریب چهارصد سال پس از سقوط ساسانیان، هنوز مورد پسند شنوندگان بود. در این جلد، تمام آلات موسیقی زمان ساسانی و موسیقی دانان و همچنین زندگی نامه سرکش و باربد، دو موسیقیدان زمان خسرو دوم، توضیح داده شده است.

کلیه ورزش‌های ایرانی بمانند نیاکان پارسی آنها، سواره اجرا می‌گردد و همه کس اعم از زن و مرد در ایران سواره می‌روند (همان، ج ۷ / ۱۳۹). این نکته نشان می‌دهد که در مشرق زمین، نه گذشت زمان و نه آیین و مذهب، هیچگونه تغییر و تحول اساسی در عادات و امیال طبیعی به وجود نیاورده است. شاردن در خصوص دخمه گبران و مشاهدات خود، در جلد هفت صحبت کرده است.

دشت هزاردره بنا بر حسب یک داستان افسانه آمیز، صحنه پدیده‌های رزمی روزگاران باستان بوده است که موضوع باستان‌های حماسی می‌باشد. ازدهایان، ماران و همه گونه حیوانات زهردار در این دشت زندگی می‌کردند. همچنین در داستان دیگر آمده که رستم پهلوان آما دیس مبارز، همه

آنها را نابود ساخت. شاردن اذعان دارد که قصبهٔ سعادت آباد را در گذشته گبرستان می‌نامیدند، که منظور آتش پرستان می‌باشند و همه آنها را در آنجا گرد آورده بودند (همان، ج ۷۹/۸). شاردن می‌گوید که مولفین اروپایی عقیده دارند که اصفهان، همان هکاتم پیل شهر صد دروازه است که به دست یونانیان در عهد باستان پدید آمده است، چون هکاتومپیل تختگاه ممالک پارت‌ها بوده است (همان، ۱۲۶). نظریات مختلفی دربارهٔ ساخت شهر اصفهان وجود دارد که همه این نظریات را شاردن در جلد هشت آورده است.

در بخش پایانی جلد هشت، شاردن برخی از گفتارهای هرودوت دربارهٔ تاریخ ایران باستان را آورده است. در جلدهای نهم و دهم سفرنامهٔ شاردن، هیچ مطلبی راجع به تاریخ ایران باستان وجود ندارد. در مجموع، روایت‌های باستانی از نگاه شاردن در مطالب بالا خلاصه می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه گیری

بر پایه آنچه گفته شد، شاردن در سفرنامه ده جلدی خود، مطالب ارزنده ای درباره تاریخ ایران باستان ارائه کرده است. همان طور که در بخش مقدمه بیان شد، یکی از فاکتورهای مهم و اساسی مقوله هویت، رجوع به ایران باستان، به ویژه زمان ساسانیان است، چرا که به گفته بسیاری از محققان، در این دوره هویت ایران پایه ریزی شد. شاردن در کتاب خود اکثر الگوهای هویتی را مورد بحث قرار داده است. مثلاً اقتدار شاه، خلق و خوی مردم ایران، اندیشه فره ایزدی و ظل الله، اندیشه مردم زمان صفوی درباره پادشاه خود و تطبیق او با پادشاهان ایران باستان و غیره.

شاردن در باب رویکردهای باستانی، روایت‌های افسانه‌ای همچون جمشید، فریدون، کیومرث مطالب جالب و خواندنی دارد. وی همچنین اشعار حماسی فردوسی را در لا به لای مطالب خود گنجانده است. اساساً هویت مقوله‌ای است که باید در تاریخ اسطوره‌ها آن را یافت. به دلیل اینکه در زمان صفویان، هویت ایرانی دوباره احیا شد، منابع این دوره می‌تواند در شکل‌گیری هویت ایران مهم باشد. زمانی که شاردن، از روایت‌های باستانی و اسطوره‌ای ایران صحبت می‌کند، بیانگر آن است که در زمان صفوی برای شکل‌گیری و گسترش هویت اصیل ایرانی از این روایت‌ها استفاده شده است. در حقیقت، برای به وجود آمدن هویت و فرهنگ جدید ایران در زمان صفوی، نویسندگان این دوره به تاریخ ایران



باستان و روایت‌های باستانی و اسطوره‌ای ایران توجه ویژه‌ای داشته‌اند و سعی کردند تا با استفاده از این عناصر، هویت ایران را شکل دهند. همه نکات بالا نشانگر اهمیت تاریخ ایران باستان و اسطوره‌ها و افسانه‌های گذشته است. از طرف دیگر می‌توان نتیجه گرفت که اگر به ایران باستان و سلسله‌هایی، همچون: پیشدادیان، کیانیان، اشکانیان، ساسانیان و ... توجه نشود و نادیده گرفته شود، و تنها به ایران اسلامی و این دوره اهمیت داده شود، هویت ایرانی شکل نگرفته و دچار تغییر و تزلزل می‌شود.



منابع

- ابن خلدون، عبد الرحمن، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، ج ۱، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲، چ ۴.
- اسلامی ندوشن، محمد علی، ایران لوک پیر، تهران، کتاب پرواز، ۱۳۷۰.
- رجایی، فرهنگ، مشکله هويت ایرانیان امروز؛ ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ، تهران: نی، ۱۳۸۶، چ ۴.
- سروش، عبد الکریم، سه فرهنگ در رازدانی و روشنفکری و دینداری، تهران: موسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۷.
- شاردن، ژان، سیاحتنامه شاردن، ۸ ج، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۵.
- مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.
- نوایی، عبد الحسین و غفاری فرد، عباسقلی، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، تهران: سمت، ۱۳۸۶، چ ۳.

